تفسیر یوم الشک در روایت ابن خالد

در حدیث دوم از باب پنجم ابواب وجوب صوم بودیم. الحمدلله سند خوب است. در جلسه قبل نسبت به مضمون آن دو کلمه را عرض کردم. کلم سومی هم در متن حدیث هست که نسبت به سائر روایات و جمعبندیهایی که نیاز داریم باید به این کلمه توجه کنیم.

> **عن سعيد الأعرج قال: قلت لأبي عبد الله ع إني صمت اليوم الذي يشك فيه فكان من شهر رمضان أ فأقضيه قال لا هو يوم وفقت له**
>
> **[1]**

این حدیث فی حد نفسه و با قطع نظر از سائر روایات، ظهور عرفی خیلی خوبی دارد. روی حساب متن عبارت حدیث از حیث مدلول تصوری و مدلول تصدیقی گوینده کلام –که اصل، مطابقت مدلول تصدیقی است با مدلول تصوری- این روایت ابهام و اجمالی ندارد. ظهور عرفی دارد. وقتی به عرف عام عرضه شود از حیث سؤال و جواب مشکلی ندارد و آن را میفهمد که سائل چه پرسید و گوینده چه جوابی فرمود. تا این اندازه خوب است.

فقط سائر روایات میمانند. عرض کردم روایت دوازدهم همین باب برای ابن خالد است، در روایت ابن خالد همین روایتی که الآن خواندیم را از محضر امام رضا علیه‌السلام میپرسند. البته برخی از آقایان گفتند که حضرت موسی بن جعفر علیهما السلام بوده‌اند. من یادم رفت نگاه کنم. اگر شما مراجعه کرده‌اید بفرمایید. علی ای حال در محضر حضرت، همین روایت دومی را که ما مشغول هستیم را خواند. بعد از ظهری بود، روز سیام شعبان بود، حضرت فرمودند بیا غذا بخور، گفت که من شنیده‌ام «یوم وقف له»، لذا خواستم از کسانی باشم که برای واقع، موقف میشوند.

عرض کردم آن چیزی که در نظر ابن خالد نسبت به گفتار امام متمرکز شده بود، تعبیر «وقف له» بود. یعنی میخواست که او هم موقف باشد. امام علیه‌السلام این تمرکز نگاه او را از روی کلمه «وقف له» که حکم بود، به ناحیه موضوع جلب کردند. گفتند چرا تنها حکم «وقف له» را میبینی؟! بلکه اول موضوع را ببین، وقتی موضوع را دیدی حکم را روی آن بیاور. نه اینکه بدون نگاه به موضوع «وقف له» را بیاوری.

> **عن معمر بن خلاد عن أبي الحسن ع قال: كنت جالسا عنده آخر يوم من شعبان- و لم يكن هو صائما فأتوه بمائدة فقال ادن و كان ذلك بعد العصر فقلت له جعلت فداك صمت اليوم فقال لي و لم قلت جاء عن أبي عبد الله ع في اليوم الذي يشك فيه أنه قال يوم وقف له قال أ ليس تدرون أنما ذلك إذا كان لا يعلم أ هو من شعبان أم من شهر رمضان- فصام الرجل فكان من شهر رمضان كان يوما وقف له فأما و**

> **ليس علة و لا شبهة فلا فقلت أفطر الآن فقال لا الحديث.[2]**

«... و لم قلت جاء عن أبي عبد الله ع في اليوم الذي يشك فيه أنه قال يوم وقف له»؛ تعبیر «انه قال» موید عرض من است. یعنی موضوع را جلو گذاشت و آن چه که بعنوان فرمایش حضرت گفت این بود که «انه قال وقف له». یعنی آن چیزی که در ذهن او خیلی پررنگ بود موقف شدن بود. خب امام علیه‌السلام چه کار کردند؟

«قال أ ليس تدرون أنما ذلك إذا كان لا يعلم أ وه من شعبان أم من شهر رمضان- فصام الرجل فكان من شهر رمضان كان يوما وقف له فأما و ليس علة»؛ «علة» یعنی ابر باشد، گرد و خاک باشد. آسمان صاف است، **«و لا شبهة»؛** شبهه‌ای هم در کار نیست، **«فلا»**؛ در این صورت دیگر آن روایت اینجا را نمی‌گیرد. **«فقلت أفطر الآن فقال لا».**

> 5:35

روایت ابن خلاد یک نحو تصرف در ظهور بدوی عرفی روایت دوم –سعید اعرج- می‌کند، به این دلیل است که شک را بالفعل می‌کند. یعنی روایت ابن خلاد می‌گوید «عن الیوم الذی یشک فیه»، صرف شأنیت شک نیست. صرف اینکه سیاه شعبان است، در آن حدیث، کاره‌ای نیست. «عن الیوم الذی یشک»؛ یعنی امسال به‌گونه‌ای است که شک برای ما بالفعل است. لذا اگر روزه گرفت «وقف له». اما درصورتی‌که «لا علة و لا شبهة»، دیگر زمینه‌ای برای آن ندارد.

آن چه که من از روایت ابن خلاد می‌فهمم این است که یک نحو تضییق ناحیه موضوع در روایت سعید اعرج است. یعنی موضوع «عن یوم الذی یشک فیه»، به‌معنای مشکوک شأنی نیست. بلکه «عن الیوم الذی یشک فیه بالفعل»؛ یعنی واقعاً مورد شک است.

شاگرد: حتی اگر آن روایت نبود، چون ظهور عنوانی در فعلیت است، ما باید شک را بالفعل معنا کنیم.

استاد: درجایی‌که شأنیت جزء موضوع باشد، با شأنیت هم موضوع بالفعل می‌شود.

شاگرد: نمی‌دانم. حضرت فرمودند اگر یوم الشک را روزه بگیری «یوم وقف له». خب این شک باید شک بالفعل باشد.

استاد: شک بالفعل ولو شانا؟! اینکه در هر سیاه شعبانی هست.

شاگرد: نه، وقتی بالفعل باشد دیگر شانا نیست.

استاد: این شکی که شما می‌فرمایید به ده شبهه‌ای مربوط می‌شود که می‌خواهم توضیح بدهم. آن‌ها را تک‌تک بررسی می‌کنیم تا ببینیم انواع شبهه ای که در سیاه هست چند تا است. من فرمایش شما را در دو مورد قبول دارم.

شاگرد۲: روایت دوازدهم دال بر این است که او متوجه نبوده که روزه گرفته است؟

استاد: بله، یعنی متوجه فعلیت شک نبوده و موضوع را عموم گرفته است.

شاگرد: طبق مبانی حضرتعالی الآن که ابزارها پیشرفته شده موضوع «وقف له» هست؟ یعنی یوم الشک فعلی است.

استاد: آن یکی از موارد آن ده شبهه است. فعلاً تکتک آنها را بررسی میکنیم تا ذهن باز شود. یعنی ببینیم که امام چه فرمودهاند و روایت ابن خالد دارد چه کار میکند. یک اشکال عمومیتری هم در ذهن من هست که در جمعبندی نهائی عرض میکنم. خیلی مطالب عالیای در ملاحظه این دو روایت با هم وجود دارد. این ملاحظات خیلی ذهن را کمک میکند تا زوایای بحث انشاءاللهالرحمن در ذهن شریفتان باز شود.

---

[1] وسائل الشيعة، ج۱۰، ص: ۲۰

[2] همان ص۲۴

بازبینی #1
ایجاد شده 30 مه 2026 10:49:44 توسط ... .
به روزرسانی شده 30 مه 2026 10:52:57 توسط ... .